

سجاد گیل پور  
کاربرگاتوربیسست

جمله  
طلایی:

# وزیر ملی امنیت اسرائیل: من را در جریان

## جریان چیست؟!

مجتبی قبادی  
طنزپرداز



امروزه واژه‌ی جریان از واژگان پرکاربرد در زبان فارسی است و کمتر کسی است که از این لغت استفاده نکنند. به عنوان مثال یکی از استفاده‌های متداول این واژه، هنگامی است که از کسی پرسیده می‌شود که «فلانی کی بود؟» پاسخ می‌دهد «آهان اون رومیگی، اون جریان داره، بعدا بهت می‌گم». اما سوای این معانی روزمره، ضروریست تا با معنای دقیق این واژه آشنا شویم. جریان، اسم مصدری عربی به معنای روان شدن و دست به دست شدن پول (معامله، توافق کردن جهت دادن امتیاز) است. روان شدن خود به معنی حرکت کردن با حجم زیاد است؛ مثلاً هنگامی که اشخاص زیادی به سمت دریا یا فرودگاه حرکت می‌کنند، در واقع روان شده‌اند و جریان یافته‌اند. طبق قوانین فیزیکی نیز جریان یافتن از جای متراکم (همانند یک سرزمین) به سمت جای کم‌تراکم (مانند قعر دریا) اتفاق می‌افتد. مترادف این واژه، «روانی» است که برخی از قدما، از اینجا نتیجه گرفته‌اند که چون یکی از معانی جریان به معنی دست به دست شدن پول یا همان معامله است، پس شرط لازمه برای یک معامله‌ی جریان دار، روانی بودن یک طرف آن دادوستد و توافق است. یعنی فقط وقتی یک جریان، معامله محسوب می‌شود که یک طرف آن روانی و وحشی باشد و میان دو فرد عاقل و سالم از لحاظ روحی، هیچ جریانی بالذاته امکان پذیر نیست. از طرفی بنا بر اقوال بسیاری از ادیبان، جریان اصالتاً واژه‌ای فارسی و معرب شده‌ی جریان (اشک ریزان) است. در واقع می‌توان گفت هنگامی که اشک روان می‌شود، یک جریان رخ داده است. برای فهم بهتر تمامی معانی و مترادف‌های جریان، در ذیل مثالی آورده می‌شود. فرض کنیم فرد «الف» که از قضا روانی است، روان شده تا فرد «ح» را کتک بزند (جریان اول) و مکرراً می‌گوید حسابت را می‌رسم و هیچ کس نمی‌تواند جلوی مرا بگیرد. جلورفته اما نمی‌تواند کاری کند و در عوض فرد «ح» به حسابش می‌رسد. در این هنگام فرد «الف»، جلوی دوربین حاضر می‌شود و اشک می‌ریزد تا ترجم بخرد (جریان ثانی) اما کسی به او توجه نمی‌کند و همه ضد او می‌شوند. در این هنگام فرد «الف» تصمیم می‌گیرد تا دست به معامله با فرد «ب» بزند و به او امتیاز بدهد. از آنجایی که تمام شروط لازم (روانی بودن یک سمت معامله) در اینجا فراهم است، ما شاهد یک جریان ثالث خواهیم بود. به تمامی این حوادث اصطلاحاً جریان‌ات گفته می‌شود.

## من، هویج، تفاوت‌ها و شباهت‌ها

امین شفیعی  
طنزپرداز



### شباهت- رنگ نارنجی

هویج گیاهی به رنگ نارنجی است و اسم من هم با کلمه «ایتا» شروع می‌شود که سکویی نارنجی رنگ است.

### تفاوت- خاک

هویج گیاهیست که در خاک پرورش داده می‌شود اما من متأسفانه خاک ندارم

### شباهت- خاک

البته خاک علی‌رغم این که تفاوت ماست، به نوعی شباهت ما نیز هست. گیاه هویج برگ‌های سبزی دارد که همه آن را می‌بینند اما بخش اصلی‌ش در خاک قرار دارد. من نیز نصفم در زمین است.

### تفاوت- ماهیت

هویج یک نوع غده خوراکی است اما من یک نوع عقده‌ی مجسم عرب ستیز هستم.

### شباهت- خیسیدن در آب نمک

مهم‌ترین شباهت من و هویج پایان ماست. معمولاً قبل از مصرف هویج، آن را در نان و نمک می‌خوابانند. من را نیز قبل از پایان توی آب‌های شور مدیریتانه می‌ریزند.

من! ای‌تامار بن گویر از آنجایی که وزیر امنیت ملی اسرائیل می‌باشم و قاعدتا باید در جریان تمام اطلاعات جنگ باشم؛ اما حتی در جریان توافق نیز قرار نگرفتم. به همین دلیل دچار بحران هویت شده و بر آن شدم تا وجوه شباهت و تفاوت خود با هویج را بررسی کنم.

### تفاوت- مشخص بودن مبدا

همه می‌دانند که هویج گیاهی است که از مزارع سرسبز می‌آید. اما هیچ کس نمی‌داند که بنده دقیقاً از کدام گوری می‌آیم و کشور و هویتی ندارم.

### شباهت- داشتن خانواده

گیاه هویج از خانواده چتریان است و من از خانواده گویرها هستم. البته خانواده هویج همگی چتر دارند اما خانواده من الزاماً گوی ندارند.

### تفاوت- نحوه مواجهه با چشم

هویج حاوی ویتامین آ است که موجب تقویت بینایی می‌شود. اما من حاوی تهدیدها و برنامه‌هایی برای ترور هستم که باعث کاهش بینایی اعضای سازمان ملل و فعالین سیاسی می‌شود.